



اسب چرنده، مادیان و یک کره اسب با ویژگی‌های هنری هخامنشی بر سکه‌های آنتیخوس سوم^۱

رابرت وو جسیکوسکی^۱

(صص: ۱۲۸ - ۱۲۹)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.3.9.129

چکیده

ایران یکی از قدیمی‌ترین کشورهای است که به ضرب سکه اقدام نموده است و قدمت ضرب سکه در آن به دوره هخامنشیان می‌رسد. از آنجاکه سکه‌ها از فلزات ضرب شده‌اند، بیشتر آن‌ها تا امروز برای ما باقی مانده‌اند و اطلاعات فراوانی در زمینه‌های هنری، فرهنگی، دینی و اجتماعی در اختیار قرار می‌دهند؛ در واقع سکه‌ها اسنادی هستند که با دارا بودن تاریخ و محل ضرب، نام و القاب سلاطین، کمک شایانی در پژوهش‌های باستان‌شناسی و تاریخی در اختیار محققین قرار می‌دهند. در گذشته، سکه‌شناسی زیرمجموعه علم باستان‌شناسی قرار داشت، ولی امروزه علمی مستقل است که علاوه بر تبیین و توضیح تاریخ سیاسی، در زمینه‌های تاریخ هنر و تاریخ عقاید اقتصادی و اجتماعی نیز کمک شایانی می‌کند. سکه‌های مفرغی آنتیخوس سوم با تاریخ لشکرکشی بزرگ وی به شرق با ضرابخانه همدان شناخته می‌شوند؛ هرچند بر روی سکه‌های وی، شاه دیهیم‌دار دیده می‌شود، اما بر پشت سکه، مادیان و کره اسبی مشاهده می‌شود. آنچه که مسلم است، آن چنان نقوشی متنوعی در سکه‌های سلوکی دیده نشده، اما در هنر هخامنشی به یاری مهرها قابل فهم‌اند. براین مبنی، پرسش پژوهش حاضر مطرح می‌شود که، دلیل حضور تصویر مادیان و کره اسب بر پشت سکه مذکور چیست؟ براساس پرسش مطرح شده، فرضیه پژوهش را نیز چنین می‌توان عنوان کرد که، درحقیقت آنتیخوس سوم با بهره‌گیری و جایگزینی این نقوش، تلاش کرده تا خود را شاه مشروع ایران به تصویر بکشاند و پیدایش نقوش این‌گونه اسبان بر روی سکه‌های آنتیخوس سوم، به موضوع حضور و نقش سوارکاران مادی در لشکرشاهی نیز اشاره داشته است. پژوهش حاضر دارای نظام کیفی و راهبردی است و براساس هدف‌های بنیادی صورت‌گرفته و از نظر روش، تاریخی است. روش یافته‌اندوزی داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است؛ در این شیوه به بررسی و مطالعه نمونه‌های مورد نظر پرداخته شده است. این نوشتار تحلیلی-توصیفی و به صورت مقایسه نقوش مورد نظر با دیگر یافته‌های هنری برای نتیجه مطلوب انجام شده است. مستندات تصویری تهیه شده از نقش‌ها با نگاهی مقایسه‌ای و تطبیقی با دیگر یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفته تا علاوه بر حفظ و شناسایی این آثار، گامی برای شناخت بیشتر و مؤثر این اثر برداشته شود.

کلیدواژگان: آنتیخوس سوم، سکه، نقوش اسب، مادیان و کره اسب، ایران، هلن.

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده باستان‌شناسی دانشگاه یاگیلونیا، کراکوف، لهستان.

مقدمه

ایران یکی از قدیمی‌ترین کشورهای است که به ضرب سکه اقدام نموده است و قدمت ضرب سکه در آن به دوره هخامنشیان می‌رسد. از آنجاکه سکه‌ها از فلزات ضرب شده‌اند، بیشتر آن‌ها تا امروز برای ما باقی مانده‌اند و اطلاعات فراوانی در زمینه‌های هنری، فرهنگی، دینی و اجتماعی در اختیار قرار می‌دهند؛ در واقع سکه‌ها اسنادی هستند که با دارا بودن تاریخ و محل ضرب، نام و القاب سلاطین، کمک شایانی در پژوهش‌های باستان‌شناسی و تاریخی در اختیار محققین قرار می‌دهند. در گذشته، سکه‌شناسی زیرمجموعه علم باستان‌شناسی قرار داشت، ولی امروزه خود علمی مستقل است که علاوه بر تبیین و توضیح تاریخ سیاسی، در زمینه‌های تاریخ هنر و تاریخ عقاید اقتصادی و اجتماعی نیز کمک شایانی می‌کند.

سکه‌های سلوکی و هلنی از نمونه‌های دیگر سکه‌های به دست آمده تاریخی ایران به شمار می‌روند که با تاریخ لشکرکشی بزرگ آنتیوخوس سوم (۱۸۳-۲۲۳ ق.م.)، به شرق و با ضرابخانه همدان شناخته می‌شوند. بر روی سکه‌های آنتیوخوس سوم، تصاویر اسب‌های مختلفی دیده می‌شود؛ بر روی برخی سکه‌های دیگر، شاه بسان یک شهسوار (سوارکار) نیزه به دست به تصویر درآمده، اما بر روی برخی دیگر، تنها تصویر اسب مشاهده می‌شود. بر روی سکه‌های مفرغی ضرب شده در همدان، شاه با دیهیمی دیده می‌شود و در پشت آن‌ها، تصویر اسب چرنده‌ای (در حال چرا) با نوشته ΒΑΣΙΛΕΩΣ ANTIOXOY مشاهده می‌شود؛ با این وجود، از همان ضرابخانه، سکه‌هایی با ظاهری متفاوت در روی سکه و در پشت با نقوشی متفاوت، اما متضمن همان نوشته پیشین به دست آمده است که در پشت سکه مادیانی درکنار یک گره اسب دیده می‌شود.

اهداف و ضرورت پژوهش: پژوهش حاضر، قصد آن را دارد که به واکاوی و دلایل موضوع حضور و نقش اسب، مادیان و یک گره اسب با ویژگی‌های هنری هخامنشی بر سکه‌های آنتیوخوس سوم ضرب همدان بپردازد که تاکنون مورد کنکاش قرار نگرفته و مطالعه و تحلیل آن نیز ضروری به نظر می‌رسد.

پرسش و فرضیه پژوهش: با بررسی و تأمل بر نقش به کار رفته در سکه آنتیوخوس سوم این پرسش مطرح می‌شود؛ دلیل حضور تصویر مادیان و گره اسب بر پشت سکه مذکور چیست؟ فرضیه پژوهش را نیز می‌توان چنین عنوان کرد که، در حقیقت آنتیوخوس سوم با بهره‌گیری و جایگزینی این نقوش، تلاش کرده تا خود را شاه مشروع ایران به تصویر بکشاند.

روش پژوهش: پژوهش حاضر دارای نظام کیفی و راهبردی است و براساس هدف‌های بنیادی صورت گرفته و از نظر روش، تاریخی است. روش یافته‌اندوزی داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است؛ در این شیوه به بررسی و مطالعه نمونه‌های مورد نظر پرداخته شده است. در نهایت، این نوشتار، تحلیلی-توصیفی و به صورت مقایسه نقوش مورد نظر با دیگر یافته‌های هنری برای نتیجه مطلوب انجام شده است. مستندات تصویری تهیه شده از نقش‌ها با نگاهی مقایسه‌ای و تطبیقی با دیگر یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفته تا علاوه بر حفظ و شناسایی این آثار، گامی برای شناخت بیشتر و مؤثر این اثر برداشته شود.

سکه‌های آنتیوخوس سوم

بر روی سکه‌های آنتیوخوس سوم (۱۸۳-۲۲۳ ق.م.)، تصاویر اسب‌های مختلفی دیده می‌شود. بر روی برخی سکه‌ها، هرچند شاه بسان یک شهسوار (سوارکار) نیزه به دست به تصویر درآمده، اما بر روی برخی دیگر، تنها تصویر اسب مشاهده می‌شود. بر روی سکه‌های مفرغی ضرب شده در همدان، شاه با دیهیمی دیده می‌شود؛ در پشت آن‌ها، تصویر اسب چرنده‌ای با این نوشته مشاهده

می‌شود: ΒΑΣΙΛΕΩΣ ANTIOXOY (Houghton & Lorber, 2002: 462, cat. no. 1264-1967; Newell, 1938: 213-214, cat. no. 618-621, Pl. XLVI, 13-18).

با این وجود، از همان ضرباخانه، سکه‌هایی با ظاهری متفاوت در روی سکه و در پشت با نقوشی متفاوت اما متضمن همان نوشته پیشین به دست آمده است. در پشت سکه، مادیانی در کنار یک گره اسب (تصویر ۱)، (Mørkholm, Houghton & Lorber, 2002: 462, cat. no. 1268-1971; Newell, 1938: 214, Pl. XLVII, 1-8) دیده می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که اسبان به تصویر کشیده شده است. در این دست سکه‌ها با اسبان ضرباخانه بومی منطقه، یعنی همدان مرکز ماد^۲، درهم تنیده‌اند. پیدایش نقوش این‌گونه اسبان بر روی سکه‌های آنتیوخوس سوم، به موضوع حضور و نقش سوارکاران مادی در لشکر شاهی اشاره داشته که در توضیح آمده است. همچنین پیوند این موضوع با نبردهای رخ داده نیز کاری دشوار خواهد بود. مطابق با طبقه‌بندی «نی‌ول» (Newell, 1918: 6-10) نحوه نمایش سر آنتیوخوس سوم بر روی سکه‌های مذکور به همراه تصویر یک اسب چرنده، به نوع B تعلق دارد که مشابه سکه‌هایی است که پادشاه را به عنوان سوارکار نمایش می‌دهند. سیمای آنتیوخوس بر روی سکه‌هایی که همراه مادیان و کره اسب است، جوان‌تر به نظر می‌رسد؛ از این رو شاید بتوان نتیجه گرفت که این دسته سکه‌ها در سال‌های آغاز شاهی ضرب شده‌اند. اما با در نظر گرفتن درون مایه و چگونگی نقش اسبان و با در نظر داشتن این موضوع که همگی در یک ضرباخانه، یعنی همدان ضرب شده‌اند، این گمان پیش می‌آید که باید همگی در یک زمان ضرب شده باشند. گونه B (سکه‌ها) شامل یک دوره تاریخی ۲۰۸-۲۱۱ ق. م. (Houghton & Lorber, 2002: 462; Newell, 1938: 216) است. با وجود اذعان به تفاوت‌های فوق، به گمانی تصویر اسب بر پشت سکه‌های آنتیوخوس باید به موضوع لشکرکشی‌های وی به شرق در ۲۰۵-۲۱۲ ق. م.^۴ اشاره داشته باشد؛ آنجاکه نام محل ضرب را هم (به خودی خود) می‌توان دید. این شاه به سال ۲۱۰-۲۱۱ ق. م. در همدان بوده است؛ این موضوع از ضرب سکه‌های مفرغی در ضرباخانه‌ای نظامی ناشناخته، اما مرتبط با همدان به نام «۷۳» قابل فهم است. سکه‌های ضرب سال ۲۱۰ ق. م.، بر روی سکه تصویر شاه با دیهیمی برسر، و در پشت آن تصویر فیل، فیل بان و یک تخت سه پایه (Houghton & Lorber, 2002: 463-464 cat. no. 1272-1274; Newell, 1938: 220-221, cat. no. 632-637, Pl. XLVIII, 6-11) و یا یک فیل و یک لنگر دیده می‌شود (Houghton & Lorber, 2002: 464 cat. no. 1275-1277; Newell, 1938: 224-225, cat. no. 648-651, 654, Pl. XLIX, 4-6). ویژگی‌های سیمای شاه بر روی این دسته سکه‌ها مانند سکه‌های دسته B است. این موضوع می‌تواند تصور انتساب سکه‌هایی با تصاویر اسب‌های گوناگون را به یک زمان خاص به وجود آورد. این موضوع می‌تواند توجیه وجود نقش اسب درهم تنیده با جغرافیا و فرهنگ ماد را قابل قبول نماید. در دوره باستان، این سرزمین به داشتن سوارکاران ماهر (Bar-Kochva, 1976: 44) و نیز اسبان نسایی^۵ (دوره ماد) خود شهره بوده است. بس پیداست که اسب در فرهنگی ایرانی جایگاهی سترگ داشته است (Schmitt, 2002). مهرهای هخامنشی نیز در بردارنده تصویر اسب چرنده، مادیان و یک کره اسب هستند؛ درست مانند همان سکه‌های آنتیوخوس سوم (de Clercq, 1903: 38, Pl. VII, 102 bis; Tuplin, 2010: 105). تصویر اسب چرنده پیش‌تر از این بر روی سکه‌های مفرغی آنتیوخوس دوم از آنتاکیه نیز به دست آمده است؛ گویی سکه‌های آنتیوخوس سوم نمونه‌برداری از همان سکه‌هاست (Houghton & Lorber, 2002: 260, cat. no. 710; Newell, 1941: 168, cat. no. 1163-1166, Pl. XXXVI, 4-8). بر روی مهرهای هخامنشی برابر (هم‌سان) این تصویر قابل مشاهده است. تصویر مادیان و کره اسب در سکه‌شناسی سلوکی از راه منابع موجود (یونانی و رومی) قابل فهم نیست؛ همچنین این رخ داد، یک اتفاق نمی‌تواند باشد، بلکه تحت تأثیر تصویرنگاری هنر هخامنشی رخ داده است. هدف آنتیوخوس



تصویر ۱. سکه مفرغی آنتیوخوس سوم ضرب شده در همدان؛ روی سکه: سر و چهره آنتیوخوس سوم. پشت سکه: تصویر مادیان و کره اسب با این نوشته: ΒΑΣΙΛΕΥΣ ANTIOXOY (مجموعه موز ملی چک، پراگ، جمهوری چک (http://www.seleukidtraces.info/collection/antiochos_iii)).

سوم از لشکرکشی به شرق، احیاء قدرت سلوکی بر استان‌هایی بود که از روزگار پدرش، یعنی سلوکوس دوم (کالینیوس ۲۴۶-۲۲۶ ق.م.) مهجور مانده بود. شورش‌های موفقیت‌آمیز آدراگوراس، ساتراپ پارت (Wolski, 1969b; 1975; Bickerman, 1983: 19; Iust, 41.4.7) و دیودوتوس، ساتراپ باختر (Wolski, 1960; 1969a; 1982; Strab, 11.11.1; Iust, 41.4.5)، در کنار یورش قبيله «پرنی» به فرماندهی ارشک اول (Strab, 11.9.2; Trog. Prol. 41; Iust, 41.4.7)، به اندازه کافی قلمرو سلوکی را در شرق مرزبندی کرده بود. پیدایش کشورهای اشکانی و دیودوتوس‌ها به طور چشم‌گیری تضعیف اقتدار سلسله را نشان داد و مفهومش این بود که دیگر سلوکیان قادر به حکومت در شرق نبودند. این موضوع دلیل روشنی از ناتوانی و ضعف امپراتوری بود که می‌توانست شورش‌های دیگر را نیز برانگیزاند؛ شورش مولون، ساتراپ ماد و حاکم ساتراپی‌ها علیاً کمترین گواه این داستان است.

سلوکوس با جایگزینی نقوش ایرانی روزگار هخامنشی بر روی سکه‌اش، بدین شکل قادر بود تا خود را به‌عنوان تنها شاه (قدرتمند) ایران تصویرسازی نماید. این موضوع همچنین پیامی خاص برای پرنی‌های مهاجم و نیز شورشیان باختری-یونانی داشت. هیچ‌یک از نقوش سکه‌ها (یعنی اسب چرنده و کره اسب) دارای مفاهیم نظامی نیستند و طبیعت صلح‌آمیز آن‌ها می‌تواند گواه حقانیت حکومت آنتیوخوس سوم باشد. از دوره هخامنشی تصویرسازی مادیان و یک کره اسب در کنار نماد بال مقدس (Collon, 1987: cat. no 923) آغاز شده که بایستی با مفاهیم دینی مرتبط باشد. باتوجه به جایگاه خاص اسب در دین ایرانی، چنین مفاهیمی دور از انتظار نیست (Shahbazi, 1987; Simons, 1994: 170; Briant, 2002: 248-252). در گزارش‌های هرودوت، گزنفون و کونتوس کورتوس روفوس (Curt. An. 3.3.11)، اسب (ایران) با نام اورمزد درهم تنیده شده است؛ آنجاکه او (اورمزد) برابر زئوس/ژوپیتر (Lorber, 1996: 48; Hoover, 1996: 48; Boyce, 1984) می‌شود. متون اوستایی نیز تیشتر (تیشتر یشت: Yt. 8.18) و ورثرغنه (Yt. 14.9) را به شکل اسبی سفید به تصویر کشیده که می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که اسب به تنهایی نمی‌تواند یک ایزد باشد؛ بلکه می‌تواند صرفاً نوعی تقدس را تداعی می‌نماید. شیر مادیان در آیین‌های دوره شاهان آغازین هخامنشی (Lewis & Llewellyn-Jones, 2018: 133) کاربرد داشته است. اگر ما مفهوم دینی اسب را در سکه‌های آنتیوخوس سوم بپذیریم، در این صورت تصویر اسب به‌گونه‌ای «نماد مقدس حمایت و پشتیبانی» از حاکم سلوکی را معنا می‌داده است؛ درحقیقت یکی از نمادهای مهم تصویرسازی «قدرت» بوده است. به عبارتی، سکه‌های آنتیوخوس ارجاعی به آیین‌های محلی^۷

در گذشته می‌تواند باشد. احیاء نقوش قدیمی، یک حرکت مهم از منظر تصویرنگاری قدرت بود. همچنین سکه‌های سلوکی در به تصویر کشیدن اسب‌های شاخ‌دار، از روزگار سلوکوس اول^۱ تا به آنتیوخوس اول^۲ شناخته شده‌اند. در تفاسیر جدید، این نقوش را یقیناً به مفاهیم نظامی ربط داده‌اند (Erickson, 2019: 138)؛ هرچند «شاخ» همواره یکی از نمادهای تقدس در شرق باستان بوده است (Erickson, 2013: 124; Troncoso, 2014: 61-62, Svenson, 1995: 40). این نماد را سلوکیان از بابل (Anagnostou-Laoutides, 2012: 3-5; 2017: 155-156; Hoover, 1996: 28-29) وام گرفته‌اند که مهر گواهی بر جایگاه دینی اسب بوده است؛ همچنین نمی‌توان نادیده انگاشت که اسب شاخ‌دار، تداعی‌کننده مشروعیت و حقانیت قدرت حاکمیت (شاه) بوده است (Hoover, 1996: 64; Troncoso, 2014: 97).

یک سراسب، هرچند بدون شاخ، بر روی سکه مفرغی آنتیوخوس سوم از سلوکیه - در کرانه دجله - به دست آمده است. این سکه که ضربش به دوره پسامولون (شورش) تعلق دارد، دارای نوشته ΒΑΣΙΛΕΩΣ ANTIOXOY است. روی سکه بیانگر نیم‌تنه^۳ یک مرد جوان است که سه چهارم آن (نیم‌تنه) با سربندی فیل‌نشان پوشیده شده است (تصویر ۲). این تصویر به اسکندر^۴ نسبت داده شده است و همچنین از آن به‌عنوان تصویر آرمانی آنتیوخوس سوم نیز نام برده شده است (Houghton & Lorber 2002: 444 cat. no. 1182; Newell, 1938: 150, cat. no. 412A, Pl. XXI, 12; Le Rider, 1965: 25, cat. no. 27, Pl. i, 12). سراسبی که در پشت سکه دیده می‌شود، فاقد شاخ است و می‌توان برای این نمونه به سکه‌های سلوکوس اول و آنتیوخوس اول ارجاع داد. نیم‌تنه^۵ (تصویر) مرد روی سکه با سربندی فیل‌نشان به‌عنوان نماد قدرت، می‌تواند مستقیماً با سکه‌های سلوکوس سنجیده شود (Troncoso, 2013: 256)، سلوکوس این نقش را مستقیماً از سکه‌های بطلمیوس اول (۳۸۳-۳۲۳ ق. م. حاکم مصر) وام گرفته است (Dahmen, 2007: 15, Erickson, 2011: 111; Hadley, 1974: 53). آنتیوخوس سوم در بیشتر سکه‌های خود از نقش‌های قدیمی‌تر بهره برده تا ارجاعی قابل‌تکیه برای بزرگی آن دوره (پادشاهی) باشد. از معروف‌ترین مثال‌های آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: احیاء تصویر آپولو با کمانی که بر روی امفالو نشسته، به جای شکل ایستاده، که توسط سلوکوس دوم بر روی سکه‌هایش استفاده شده است؛ چنین بازنگری در تصویرسازی، مثالی روشن از دوره‌ای است که هنوز بحران در شاهنشاهی رخ نداده و هنوز شاهد زوال قدرت‌شان در شرق نیستیم.



تصویر ۲. سکه مفرغی آنتیوخوس سوم به دست آمده از سلوکیه در کرانه دجله؛ روی سکه: نیم‌تنه^۳ یک مرد جوان که سه چهارم آن (نیم‌تنه) با سربندی فیل‌نشان پوشیده شده. پشت سکه: سراسب (http://www.coinproject.com/siteimages/70-13657q00.jpg).

نتیجه‌گیری

آنتیوخوس سوم کوشید تا خود را به‌عنوان یک حاکم اشوند (درستکار) امپراتوری به تصویر بکشد. او در مواجهه با شورش‌ها و غاصبان نه‌تنها در شرق، بلکه در غرب (مانند شورش آشوش) تجزیه‌گشود کشور را متوقف و اقتدار دودمان خویش را احیاء کرد. در مشرق، شاه تلاش کرد تا کشورهای مستقل را به‌طور مداوم تسخیر کند؛ با اقداماتی مانند جنگ، مانند جنگ با ماد آتروپاتن پس از پیروزی خود بر مولون و یا لشکرکشی به ارمنستان که سرآغاز بزرگ‌ترین لشکرکشی او به شرق شد. هدف وی، از بین بردن هر مرکزی از قدرت بود تا بتواند با سلوکیان در شرق رقابت کند و تلاش کرد تا مرزها را به وضعیت سابق خود، یعنی قبل از دوره سلطنت پدرش بازگرداند. این‌که آیا آنتیوخوس سوم قادر به اجرای آن نقشه‌ها بود یا نه؟ مسأله دیگری است؛ اما این اتفاقات زمینه‌چرایی تفسیر نقوش اسب‌چرنده و مادیان با کره را بر روی سکه‌های وی از همدان آسان‌تر می‌کند. آنتیوخوس سوم با استفاده از این نقوش و ارجاع به آیین ایرانی، زمینه‌ای را فراهم آورد تا خود را به‌عنوان حاکم مشروع تمام ایران معرفی کند. نمی‌توان نادیده انگاشت که اسب نماد مشروعیت مینوی (آسمانی) دودمان شاهی (زمینی) بوده است. تنها تصویر از این حیوانات که در فرهنگ ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند، بر پیامی روشن مبنی بر درهم‌تنیدگی شاه و سرزمین ایران و یا درهم‌تنیدگی با استان‌هایی که از امپراتوری جدا شده و تحت سلسله‌های خارجی بودند، تأکید می‌کرد.

پی‌نوشت

۱. این مقاله از حمایت مالی مرکز ملی علوم لهستان برخوردار بوده است (FUGA 5 Scholarship Programme, UMO-) (2016/20/S/HS3/00079).
۲. سکه‌های مفرغی که شاه نیزهدار و سوار بر اسب دیده می‌شود از همدان به دست آمده‌اند (Houghton & Lorber, 2002: 260, 274-275, cat. no. 709, 767-768; Erickson, 1963: 1259-136, cat. no. 461, 136-138, Fig. 3.11-12; Newell, 1941: 167, cat. no. 1162, Pl. XXXVI, 1-2). این نقش همچنین از سکه‌های سیمین، نیم سیم و تترا در اشم (ارزش چهار برابری) ضرب همدان نیز به دست آمده است؛ همچنین بر روی سکه‌های سلوکی، سلوکوس نیکاتور (اول) نیز دیده شده است (Erickson, 2019: 43-46, Fig. 1.8; Houghton & Steward, 1999: Pl. P.5.1, 1A; Houghton & Lorber, 2002: cat. no. 203; Newell, 1938: cat. no. 481, Pl. XXXVI, 9, 10).
۳. پولیبیوس (10.27.1-3; Plb 5.44) در توصیف ماد از موقعیت ویژه آن در آسیا، و از آن به‌عنوان سرزمین ثروت و با اهمیت نظامی نام برده است. بنابر گزارش وی، شهرها و روستاهای زیادی در ماد و همدان وجود داشته که شهرهای یونانی‌نشین گرداگرد آن‌ها قرار داشته است. استرابو (11.9.1; Strab.) هنگام توصیف ماد به نابودی شهرهای بسیاری و هزاران روستا آن در نتیجه زمین‌لرزه اشاره کرده است. استرابو (11.13.6; Strab.) در توصیف آن سرزمین در دوره پارت، به شهرهای یونانی‌نشین پی‌افکنده به دست مقدونیان اشاره دارد که خود گواه جایگاه شهرنشینی در آنجاست. همدان مرکز ماد، یکی از مراکز مهم جغرافیای اداری روزگار سلوکی بوده است (Aperghis, 2004: 42).
۴. آنتیوخوس سوم در گام نخست ارمنستان را فتح کرد (Plb. 8.23.1-5; Plb. 10.28-31)، اما هدف اصلی او سرزمین پرنی (Plb 10.49; 11.34) و سپس یونانی‌نشین‌های باختر (Plb 10.49; 11.34) بود؛ برای آنتیوخوس، ن. ک. به (Grainger, 2015: 55-79; Kuhrt & Sherwin-White, 1993: 190-200; Lerner, 1999: 45-62; Wolski, 1996: 87-88; 1999, 75-78).
۵. اسبان معروف در روزگار باستان به نام «دشت‌نسا» در ماد، شهره بودند (Azzaroli, 1985: 89; Herzfeld, 1968: 8; Shabani, 2005: 8). هرودت در توصیف این اسبان به اسبان نسایی لشکر خشایارشا (اول) علیه یونان ارجاع داده است (Hdt. 3.106.2; 7.40. 2-4). استرابو به استفاده این‌گونه اسبان برای شاهان پارسی (فقط) پرداخته است (11.14.9; 11.13.7; Strab.). پولیبیوس در توصیف رژه آنتیوخوس چهارم (اپیفانوس) در دفته سوریه واحدی (Νισαῖοι) از واحدهای موجود را بر شمرده است (Plb. 30.25.6). این نام (کلمه یونانی) که آشکارا به اسبان نسایی اشاره دارد، می‌تواند تصور ترکیبی از سوارکاران ایرانی از منشأ مادی را تداعی نماید (Sekunda, 1994: 22). بنابر دیدگاهی دیگر، ممکن است که این واحد مادی نبوده و مانند مادها خود را مسلح کرده‌اند (Bar-Kochva, 1979: 74).
۶. دلایل و چگونگی شورش مولون از سوی پولیبیوس کاملاً توضیح داده شده است (Plb 5.43-54).
۷. آنتیوخوس سوم در جهت جاویدات کردن پیروزی خود بر مولون، در شوش به ضرب سکه‌هایی پرداخت که بر روی آن سر شخصیتی مؤنث (ایزدبانویی) با سربند فیل‌نشان و در پشت سکه، تصویر ایزدبانوی آرتیمیس کمان‌ور دیده می‌شود (Houghton, 2002: 454 cat. no. 1224-1225; Newell, 1938: 150, cat. no. 410-411). دوره هلنی برابر آرتیمیس تفسیر شده‌اند، ممکن است به‌عنوان خدایان یونانی تصویرسازی شده باشند (de Jong, 1997: 273; Martinez-Sève, 2015; Le Rider, 1965: 293-296; Tarn, 1966: 69). حامی سلوکوس تفسیر شود که بسیار به تصویر از سکه سلوکوس دوم ضرب شوش شبیه است (fossif & Lorber, 2009: 109).

۸. تصویر اسب شاخ‌دار (رو) از روی یک سکه تترادراخمه با نقش فیل (پشت) با نوشته ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΣΕΛΕΥΚΟΥ ضرب پیرگامون (Houghton & Lorber, 2002: 15, cat. no. 1.2) و سکه دیگر با ضربخانه ناشناخته، احتمالاً در آسیای صغیر شناخته شده است (Houghton & Lorber, 2002: 15, cat. no. 2). نیم‌تنه یک اسب شاخ‌دار بر روی سکه‌های کرانه شرقی امپراتوری دیده شده است (Houghton & Lorber, 2002: 474, add. 16, 18).

۹. از ضربخانه‌ای در دورا-اوراپوس (سوریه) سکه‌هایی به دست آمده که بر روی آن‌ها تصویر اسب شاخ‌دار و کمان و نوشته ΒΑΣΙΛΕΩΣ ANTIOXOY در سوی دیگر آن دیده می‌شود (Houghton & Lorber, 2002: 115, 136-137, cat. no. 367-368); در باختر (Newell, 1941: 80, cat. 882-883, Pl. XIII 9-10 Houghton & Lorber, 2002: 161, cat. no. 469, 471; Wright, 2010: 117.) و حران (Newell, 1941: 47-48, cat. no. 784-787 (2010: 117-118, Fig. 67 ΒΑΣΙΛΕΩΣ ΣΕΛΕΥΚΟΥ بر پشت سکه‌های ضرب شده، دیده می‌شود؛ سر سلوکوس اول نیز با دیهیمی شاخ‌دار بر روی این سکه‌ها پدیدار می‌شود. مجموعه‌ای از این تصاویر بر روی سکه‌های سارد (Houghton & Lorber, 2002: 124, cat. no. 322; Wright, 2010: 117.) و نیز دورا-اوراپوس (Fig. 66 Houghton & Lorber, 2002: 136-137, cat. no. 363, Newell, 1941: 79, cat. no. 878-879). اما با نوشته ΒΑΣΙΛΕΩΣ ANTIOXOY دیده می‌شود. از آی خانم (Houghton & Lorber, 2002: 426-434, cat. no. 426-434) و نیز یک ضربخانه ناشناخته کرانه شرقی شاهنشاهی (Houghton & Lorber, 2002: 475, add. 21) نیز سکه‌هایی با تصویر اسب شاخ‌دار و نوشته ΒΑΣΙΛΕΩΣ ANTIOXOY و نیز تصویر سر آنتیوخوس اول با دیهیم بدون شاخ به دست آمده است. (Dahmen, 2007: 42; Mørkholm, 2001: 63-64; Meeus, 2009: 248; ک. به: 248).

۱۰. برای این موضوع ن. ک. به: 248 (Dahmen, 2007: 42; Mørkholm, 2001: 63-64; Meeus, 2009: 248).

۱۱. ولسکی، برخی لشکرکشی ناکام آنتیوخوس سوم و نیز بازگشت از هند به سلوکیه (حدود ۲۰۵ ق.م.) از طریق جنوب ایران را به تمسخر گرفته است. او معتقد است که آنتیوخوس به موضوع سرزمین پرنی و یونانیان باختر نپرداخت (این سرزمین‌ها همچنان مستقل باقی ماندند).

کتابنامه

- Anagnostou-Laoutides, E. (2012). "Zeus and Apollo in the Religious Program of the Seleucids". In: E. Anagnostou-Laoutides, (ed.), *ASCS 33 Selected Proceedings (2012): Refereed Papers from the 33rd Annual Conference of the Australasian Society for Classical Studies*, Pp: 1-23 (<http://www.ascs.org.au/news/ascs33/>).
- Anagnostou-Laoutides, E., (2017). *In the Garden of the Gods: Models of Kingship from the Sumerians to the Seleucids*. London: New York: Routledge.
- Aperghis, G. G., (2004). *The Seleukid Royal Economy. The Finances and Financial Administration of the Seleukid Empire*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Azzaroli, A., (1985). *An Early History of Horsemanship*. Leiden: Brill.
- Bar-Kochva, B., (1976). *The Seleucid Army: Organisation and Tactics in the Great Campaigns*. Cambridge: The University Press.
- Bickerman, E., (1983). "'The Seleucid Period". In: E. Yarshater, (ed.). *Cambridge History of Iran 3 (1)*. Cambrie: Cambridge University Press, Pp: 3-20.
- Boyce, M., (1984). "Ahura Mazda". *Encyclopaedia Iranica* (<http://www.iranicaonline.org/articles/ahura-mazda>).
- Briant, P., (2002). *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire*. Winona Lake: Indiana Eisenbrauns.
- De Clercq, L., (1903). *Catalogue méthodique et raisonné. Antiquités assyriennes - cylindres orientaux, cachets, briques, bronzes, bas-reliefs etc.* publié par M. De Clercq, ancien député, Tome deuxième, Paris: E. Leroux.
- Collon, D., (1987). *First Impressions: Cylinder Seals in the Ancient Near East*. London: British Museum Publications.
- Dahmen, K., (2007). *The Legend of Alexander the Great on Greek and Roman Coins*. London, New York: Routledge.

- Erickson, K., (2013). "Seleucus I, Zeus and Alexander". In: L. Mitchell & Ch. Melville, (eds.), *Every Inch a King: Comparative Studies on Kings and Kingship in the Ancient and Medieval Worlds*, Leiden: Brill, Pp: 109-127.
- Erickson, K., (2019). *The early Seleukids, their gods and their coins*. London, New York: Routledge.
- Erickson, K. & Wright, N. L., (2011). "The "royal archer and Apollo in the East: Greco-Persian iconography in the Seleukid empire". In N. Holmes (ed.), *Proceedings of the XIV International Numismatic Congress*. Glasgow: International Numismatic Council, Pp: 163-168.
- Grainger, J. D., (2015). *Seleukos Nikator: Constructing a Hellenistic Kingdom London*. New york: Routledge.
- Hadley, A., (1974). "Royal Propaganda of Seleucus I and Lysimachus". *Journal of Hellenistic Studies* 94, Pp: 50-65.
- Herzfeld, E., (1968). *The Persian Empire. Studies in Geography and Ethnography of the Ancient Near East*. Wiesbaden: F. Steiner.
- Hoover, O. D., (1996). *Kingmaker: A Study in Seleucid Political Imagery*. Ontario: Hamilton.
- Houghton, A. & Lorber, C., (2002). *Seleucid Coins: A Comprehensive Catalogue: Part I-II: Seleucus I through Antiochus III*. New York: The American Numismatic Society, Lancaster; London: Classical Numismatic Group.
- Houghton, A. & Steward A., (1999). "The equestrian portrait of Alexander the Great on a new tetradrachm of Seleucus I". *Schweizerische numismatische Rundschau* 78, Pp: 27-35.
- Iossif, P. & Lorber, C., (2009). "Seleucid Campaign Beards". *L'antiquité Classique* 78, Pp: 87-115 .
- Kakavas, G. (2016). "Hellenistic Royal Portraiture on Coins". In: C. A. Picón & S. Hemingway, (eds.), *Pergamon and the Hellenistic Kingdoms of the Ancient World*. New York: Metropolitan Museum of Art, Pp: 70-76.
- De Jong, A., (1997). *Traditions of The Magi: Zoroastrianism in Greek And Latin Literature*. Leiden: Brill.
- Kritt, B., (1997). *The Early Seleucid Mint of Susa*. Lancaster: Classical Numismatic Group.
- Lerner, J. D., (1999). *The impact of Seleucid decline on the Eastern Iranian Plateau the foundations of Arsacid Parthia and Graeco-Bactria*. Historia Einzelschriften 123. Stuttgart: Franz Steiner Verlag.
- Lorber, C. C. & Iossif, P., (2009). "The cult of Helios in the Seleucid East". *Topoi* 16 (1), Pp: 19-42.
- Lewis, L. & Llewellyn-Jones, L., (2018). *The Culture of Animals in Antiquity: A Sourcebook with Commentaries*. London, New York: Routledge.
- Martinez-Sève, L., (2015). "Susa IV. The Hellenistic and Parthian Periods".

Encyclopaedia Iranica (<http://www.iranicaonline.org/articles/susa-iv-hellenistic-parthian-periods>).

- Meeus, A., (2009). "Alexander's Image in the Age of the Successors". In: Heckel, W. & Tritle, L.A. (eds.), *Alexander the Great: A New History*, Oxford: Wiley-Blackwell, Pp: 235-250.
- Mørkholm, O., (2001). *Early Hellenistic Coinage from The Accession of Alexander to the Peace of Apamea (336-188 B.C.)*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Newell, E. T., (1918). *The Seleucid Mint of Antioch*. New York: American Numismatic Society.
- Newell, E. T., (1938). *The Coinages of the Eastern Seleucid Mints from Seleucus I to Antiochus III. ANSNS 1*. New York: American Numismatic Society.
- Newell, E. T., (1941). *The Coinage of the Western Seleucid Mints from Seleucus I to Antiochus III. ANSNS 4*, New York: American Numismatic Society.
- Olbtycht, M. J., (2016). "The Sacral Kingship of the Early Arsacids. Fire Cult and Kingly Glory". *Anabasis 7*, Pp: 91-106.
- Le Rider, G., (1965). *Suse sous les Séleucides et les Parthes, Mémoires de la Mission Archéologique en Iran XXXVIII*. Paris: Paul Geuthner.
- Schmitt, R., (2002). "Nisāya". *Encyclopaedia Iranica* (<http://www.iranicaonline.org/articles/nisaya>).
- Sekunda, N., (1994). *Seleucid and Ptolemaic Reformed Armie 168-145 B.C. Vol. 1: Seleucid Army*, Stockport: Montvert.
- Shabani, R., (2005). *Iranian History at a Glance*. Tehran: Alhoda.
- Shahbazi, A. Sh., (1987). "Asb. i In Pre-Islamic Iran". *Encyclopaedia Iranica*, (<http://www.iranicaonline.org/articles/asb-pre-islamic-iran>).
- Shenkar, M., (2014). *Intangible Spirits and Graven Images: The Iconography of Deities in the Pre-Islamic Iranian World*. Leiden, Boston: Brill.
- Sherwin-White, S. M. & Kuhrt, K., (1993). *From Samarkhand to Sardis: A New Approach to the Seleukid Empire*. Berkeley: University of California Press.
- Simons, F. J., (1994). *Eat Not this Flesh: Food Avoidances from Prehistory to the Present*. Madison: The University of Wisconsin Press.
- Svenson, D., 1995. *Darstellungen hellenistischer Könige mit Götterattributen*. Frankfurt am Main: Peter Lang.
- Tarn, W. W., (1966). *The Greeks in Bactria and India*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Troncoso, V. A., (2013). "The Diadochi and the Zoology of Kingship: The Elephants". In: Troncoso V. A. & Anson E. (eds.), *After Alexander: The Time of the Diadochi*, Oxford, Oakville: Oxbow Books, Pp: 254-270.
- Troncoso, V. A., (2014). "The Zoology of Kingship: From Alexander the Great to the Epigoni (335 - c.250 BC)". *Anabasis 5*, Pp: 53-75.
- Tuplin, Ch., (2010). "All the King's Horse: in Search of Achaemenid Persian

Cavalry”. In: Fagan G. G. & Trundle M. (eds.), *New Perspectives on Ancient Warfare*. Leiden, Boston: Brill, Pp: 101-182.

- Wolski, J., (1960). “Les Iraniens et le royaume gréco-bactrien”. *Klio* 38, Pp: 110-121.

- Wolski, J., (1969a). “Der Zusammenbruch der seleukidenherrschaft im Iran im dritten jahrhundert v. Chr”. In: Altheim F. & Rehork J. (eds.), *Der Hellenismus in Mittelasien*. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft, Pp: 188-254.

- Wolski, J., (1969b). “Das Problem des Andragoras”. In: F. Altheim F. & Rehork J. (eds.), *Der Hellenismus in Mittelasien*. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft, Pp: 275-280.

- Wolski, J. (1975). “Andragoras était-il Iranien ou Grec?”. *Studia Iranica* 4, Pp: 159-169.

- Wolski, J., (1982). “Le problème de la fondation de l'État gréco-bactrien”. *Iranica Antiqua* 17, Pp: 131-146.

- Wolski, J., (1996). *Imperium Arsacydów*. Poznań: SAWW.

- Wolski, J., (1999). *Dzieje i upadek imperium Seleucydów*. Kraków: The Enigma Press.

- Wright, N. L., (2010). “Religion in Seleukid Syria-Gods at the Crossroads (301-64 B.C.)”. Unpublished Ph.D. dissertation, Macquarie University, Sydney.